

نقش ارتباط‌های غیرکلامی در تقویت بنیان خانواده

از منظر اهل بیت علیهم‌السلام

دکتر زهرا محققیان^۱ - حدیثه کریمی^۲ - لیلا پهلوان نژاد^۳

چکیده

در روابط میان انسان‌ها، از جمله روابط اعضای خانواده با یکدیگر، ارتباط‌های غیرکلامی، پیام‌های متنوعی را القا می‌نمایند که علاوه بر تأثیر بسیار زیاد در کاهش یا تقویت پیوند میان اعضا، نقش بسیار ویژه‌ای در سلامت روانی خانواده ایفا می‌کنند. در این راستا پژوهش حاضر درصدد است با نگاهی میان رشته‌ای متون روایی ائمه را از منظر نشانه‌های ارتباط غیر کلامی و تأثیر آن در تقویت و استحکام بنیان خانواده بررسی کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ائمه بزرگوار، بر اهمیت این نوع ارتباط‌ها در تحکیم عواطف خانوادگی نظر دارند و معتقدند پیام‌های گوناگونی که به واسطه ارتباط‌های غیرکلامی بین اعضای خانواده مبادله می‌شود، نقش بسیار مؤثری در تحکیم روابط خانوادگی داشته، محبت میان اعضای خانواده را افزایش می‌دهد.

کلید واژه‌ها: ارتباط غیرکلامی، روایت‌های ائمه علیهم‌السلام، تحکیم خانواده، ارتباط زن و شوهر، ارتباط رفتاری، ارتباط دیداری.

۱- استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نویسنده مسئول

z.mohaghegh@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان

۳- دانشجوی رشته علوم قرآن دانشکده علوم قرآنی دولت آباد

دریافت: ۱۳۹۶/۹/۲۶ - پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۷.

بشر برای تفهیم منظور خود به دیگران ناچار است از ابزارهایی کمک بگیرد و با یاری آن‌ها در کنار گفتار، پیام‌های خویش را برساند. در حقیقت زبان تن^۱، یکی از زیر مجموعه‌های سخن گفتن است و پیام‌هایی را که آگاهانه یا ناآگاهانه ارسال و دریافت می‌کنیم، برایمان به زبانی فهمیدنی و کاربردی برمی‌گرداند. بنابراین اگر با ذهنی آگاه به حرکت‌های بدن توجه کنیم، نتیجه بهتری از دیدارهایمان خواهیم داشت (گلدمن، ۱۳۸۶: ۱۱-۱۳).

از دیگر سو، نهاد خانواده، اصلی‌ترین رکن جامعه و زمینه‌ساز خوشبختی و یا بدبختی انسان‌ها و امت‌هاست. از این رو اسلام و ائمه معصوم علیهم‌السلام عنایت ویژه‌ای به سلامت و رشد و پویایی این نهاد سرنوشت ساز داشته، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، هم در قالب گفتار و ارتباط‌های کلامی خویش با اصحاب و هم در قالب رفتار و ارتباط‌های غیرکلامی، اهمیت توجه به آن را گوشزد نموده‌اند.

بر همین اساس پژوهش حاضر درصدد است با هدف استحکام و تقویت این نهاد مقدس، متون روایی ائمه را از منظر نشانه‌های ارتباط غیرکلامی بررسی نماید. در حقیقت نگارنده در این مقاله، درصدد پاسخ به این پرسش است که آیا پیشوایان ما نیز از طریق ارتباط‌های غیرکلامی با دیگر افراد جامعه از جمله اعضای خانواده خود ارتباط برقرار می‌کردند؟ میزان اهمیت و تأثیر هر یک از انواع ارتباط‌های غیرکلامی، در روابط اولیای الهی با دیگر اعضای خانواده تا چه میزان است؟

در ادامه پس از مفهوم‌شناسی واژگان، انواع ارتباط‌های غیرکلامی قابل مشاهده در رفتار ائمه در مواجهه با هر یک از اعضای خانواده بررسی و تحلیل شده‌اند.

پیشینه آثار مرتبط

در بررسی پیشینه این پژوهش، مقاله‌هایی با عنوان «بررسی مهارت‌های بین فردی در

1. body language

سیره معصومان (علیهم‌السلام) و «بررسی عناصر پایداری ارتباط میان فردی در قرآن و روایات» و «اثر بخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی مبتنی بر آموزه‌های دینی بر خوش بینی و سازگاری زناشویی» پیدا شد که هریک از جهاتی با پژوهش حاضر متفاوت‌اند. اولی به طور کلی همه ارتباط‌ها، اعم از کلامی و غیر کلامی را مورد بررسی قرار داده است. این مقاله از طبقه بندی ارتباط‌های غیر کلامی اجتناب نموده و تنها به ذکر مصادیق بسنده کرده است. دومی به بحث ارتباط‌های میان فردی در حوزه اجتماعی و ارتباط‌های اخلاقی انسان پرداخته و سومی به صورت تجربی از نوع پیش‌آزمون به بررسی تأثیر مهارت‌های ارتباطی بر خوش بینی و سازگاری زناشویی پرداخته و جنبه‌های دیگر خانواده را مورد بررسی قرار نداده است.

۱- مفهوم‌شناسی واژگان

الف) خانواده: در فرهنگ ما خانواده محیطی برای رشد و نمو افراد است و این بنیان ارزشمند با ازدواج زن و شوهر شکل می‌گیرد و با تولد فرزندان تکامل می‌یابد. بدین طریق خانواده قدیمی‌ترین و بنیادی‌ترین نهاد بشری است. البته تاکنون تعاریف گوناگون و بسیار دیگری نیز برای خانواده ارائه گردیده که همه بردونکته تأکید دارند: یکی ساختارهای موجود در خانواده که تاریخ از آن یاد کرده و دیگری آنچه که از کارکرد خانواده انتظار می‌رود؛ مانند اینکه گفته می‌شود: «خانواده متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش فرزند، با یکدیگر به عنوان زن، مادر، پدر، شوهر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل هستند؛ فرهنگ مشترک پدید می‌آورند و در واحد خاص زندگی می‌کنند.» (قنادان، ۱۳۷۵: ۱۴۸) یا «خانواده همچون گروهی از افراد است که روابط آنان با یکدیگر بر اساس هم‌خونی شکل می‌گیرد و نسبت به یکدیگر خویشاوند محسوب می‌شوند.» (همان). برخی معتقدند: «خانواده گروهی از افراد است که از طریق خون، ازدواج یا فرزندخواندگی به هم پیوند خورده‌اند و کارکرد اجتماعی اصلی آن‌ها تولید مثل است.» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۳۵).

نخستین مفهوم مشترکی که از مجموعه تعاریف پیش گفته و دیگر تعاریف‌های ارائه

شده، استنباط می‌شود، این است که خانواده پیوند عمیق و پایدار جسمی و روحی چند نفر برای زیستن در فضای واحد است. یعنی بدون تحقق این پیوند، خانواده معنایی ندارد. قوام این بنا به میزان پیوند اعضای آن بستگی دارد. بنابراین، برای تعالی کارایی خانواده، لازم است بر تحکیم پیوند و روابط اعضای خانواده تأکید شود.

ب) ارتباط: ارتباط، در زبان لاتین از کلمه Communication مشتق شده و در عربی با عنوان "الاتصال" به کار می‌رود (موسی، ۲۰۰۳: ۹). این واژه از نظر لغت به معانی بسیاری همانند گزارش دادن، بیان نمودن، منتقل کردن، پیوند دادن، تماس گرفتن و... اشاره دارد، اما در اصطلاح فرایندی است که طی آن یک شخص، مفهومی را به ذهن شخص دیگری (یا اشخاص) با استفاده از پیام‌های کلامی یا غیرکلامی منتقل می‌کند (ریچموند و مک‌کروسکی، ۱۳۸۷: ۸۱).

در فرهنگ لغات، عمل ارتباط برقرار کردن تعریف‌های بسیاری دارد، ولی تعریف زیر پایهٔ مباحث بعدی را تشکیل می‌دهد: ارتباط عبارت است از فراگرد پیام از سوی فرستنده برای گیرنده، مشروط بر آنکه درگیرندهٔ پیام مشابهت معنی با معنی مورد نظر فرستندهٔ پیام ایجاد شود (محسنیان راد، ۱۳۶۹: ۵۷).

ج) ارتباط غیرکلامی^۱: ارتباط غیرکلامی، که در زبان در عربی با عنوان "الاتصال غیراللفظی" به کار می‌رود (موسی، ۲۰۰۳: ۳۱) شامل همهٔ جنبه‌های ارتباط به جز کلمات می‌باشد (وود، ۱۳۷۹: ۲۸۴). درحقیقت این تعبیر، به دامنه وسیعی از پدیده‌ها گفته می‌شود (محسنیان راد، ۱۳۸۰: ۲۴۱). پیام‌های غیرکلامی نیز، هم ارادی هستند و هم غیر ارادی. مهم‌ترین مثال برای ارتباط غیرکلامی، بنیان چهره‌ای و اشارات بدنی، وضع پاها، فاصلهٔ فیزیکی دیگران با ما، تن صدا و سکوت‌های بین کلمات است (محسنیان راد، ۱۳۶۹: ۲۴۶). به طور کلی پژوهشگران دربارهٔ ماهیت و چگونگی رفتارهای غیرکلامی، نظریه‌های متنوعی را ارائه کرده و فعالیت‌های غیرکلامی را به شیوه‌های گوناگون طبقه‌بندی و تحلیل نموده‌اند. در یک دسته‌بندی جامع می‌توان انواع مختلف

1 - Nonverbal Immediacy.

ارتباط‌های غیرکلامی را به صورت زیر دسته‌بندی نمود: ارتباط‌های دیداری، بویایی، بساوایی، مکانی و رفتاری (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۲۹۴-۳۱۰).

۲- تفاوت ارتباط کلامی و ارتباط غیرکلامی: به طور کلی می‌توان گفت انسان‌ها برای تعامل با دیگران دو وسیله ارتباطی دارند: یکی کلام است که فرد از طریق گفتار، مضمون اطلاعات را به دیگران منتقل می‌کند و دیگری زبان تن است که در آن، افراد از طریق ارتباط‌های غیرکلامی، همچون حالت چهره و نوع نگاه و...، دیگران را از منظور خود مطلع می‌کنند. هر شخصی زبان بدنی را که برای او مناسب است در همه طول زندگی ناخودآگاه یاد می‌گیرد، اما یک چیز همیشه ثابت است: زبان بدن ما همیشه روشن‌تر از گفتار ماست (مولکو، ۱۳۹۰: ۱۵). همچنین می‌توان گفت اختلاف میان این دو گونه ارتباط، به سادگی مقایسه میان اعمال و گفتارها نیست. برای مثال صحبت کردن گرچه گونه‌ای ارتباط کلامی است، اما خود، آمیخته با عناصر غیرکلامی چون تن صدا، سکوت‌های بین جمله‌ها و غیره است. برای شناخت این تفاوت، ارجح است به کانال‌های ارتباط یا فرستنده یا گیرنده پیام توجه کنیم. واقعی‌ترین نمونه و مثال از ارتباط کلامی، زبان نوشتاری^۱ و گفتاری است و بهترین مثال برای ارتباط غیرکلامی، بیان چهره‌ای و اشاره‌های بدنی^۲ است؛ ضمن آنکه تن صدا، سکوت‌های بین کلمات و یا تکیه بر کلمه‌ای که در عمل مربوط به هر دو است نیز نمونه‌هایی از ارتباط غیرکلامی است (محسنیان راد، ۱۳۶۹: ۲۴۸).

۲- اهمیت برقراری ارتباط‌های غیرکلامی

ارتباط غیرکلامی در تعامل با انسان‌ها دارای ارزش زیادی است، چون بسیاری از اعمال غیرکلامی به راحتی قابل کنترل نیستند. این موضوع بدین مفهوم است که چنین اعمالی تا حدی از تحریف و تظاهر مبری هستند. کنترل صورت خجالت زده به هنگام احساس ناراحتی یا فک قفل شده در موقع عصبانیت، کاری بس دشوار است (لاری،

1. written language.

2. body gestures.

در اهمیت ارتباط‌های غیر کلامی همین بس که نفوذ و تأثیر این گونه ارتباط‌ها به حدی است که گاهی برقراری ارتباط بدون تکلم جهت درک مفهوم، نزد مخاطب کفایت می‌کند و دیگر نیازی به ارائه کلام نیست. گاهی نگاه فرد به گونه‌ای است که مخاطب او متوجه منظورش می‌شود و در وی اثر می‌گذارد؛ همین‌طور است حرکات دست و سر که گویای مفهوم خاصی هستند. افراد ناشنوا به دلیل نداشتن قدرت تکلم، برای فهماندن منظور خود به دیگران، ناچار به برقراری ارتباط غیر کلامی هستند. در مورد این افراد، مشاهده می‌شود که اطرافیان به خوبی متوجه منظور آن‌ها می‌شوند. این نشان می‌دهد ارتباط‌های غیر کلامی علاوه بر اینکه مکمل ارتباط‌های کلامی هستند، در برخی موارد به تنهایی، مقصود متکلم را منتقل می‌کنند.

همچنین از طریق این گونه ارتباط‌ها می‌توان خیل عظیمی از مفاهیم و احساس‌ها مانند تشویق، تنبیه، هشدار، غم، شادی و... را منتقل کرد. گاهی این گونه رفتارها تربیت فرزندان را آسان‌تر می‌کند. برای مثال بعضی از مواقع والدین احساس می‌کنند ارتباط کلامی و گفت‌وگو با فرزند در ارتباط با کار ناپسند او، گاهی فرزند را به لجبازی و تکرار کار ناپسند می‌کشاند، در حالی که اگر همین عدم رضایت والدین از طریق ارتباط غیر کلامی صورت بگیرد، نتیجه متفاوتی رقم خواهد خورد. برای مثال اگر پدر یا مادر با روگرداندن یا اخم کردن، ناراحتی خود را به فرزندش تفهیم کند، تأثیر بسیاری خواهد داشت، و فرزند از این پس، نسبت به اخم پدر حساسیت نشان داده، سعی خواهد کرد پدر و مادر خود را عصبانی و منزجر نکند. پس می‌توان این گونه نتیجه گرفت که گاه چنین ارتباط‌هایی نسبت به دیگر الگوهای رفتاری، تأثیر و میزان ماندگاری بیشتری دارند و بنابراین در مسائل تربیتی و حتی مسائل عاطفی کاربرد فراوانی پیدا می‌کنند.

پیشوایان دینی ما نیز، به عنوان الگوهای جاودان بشری، متوجه این موضوع بوده و از تأثیر و اهمیت و ضرورت این گونه ارتباط‌ها مطلع بوده‌اند. در ادامه پس از معرفی گونه‌های مختلف ارتباط‌های غیر کلامی، به جایگاه آن در سبک و سیره ائمه پرداخته، تأثیر آن را در

کیفیت روابط میان اعضای خانواده بررسی می‌نماییم.

۳- انواع ارتباط‌های غیرکلامی از منظر اهل بیت علیهم‌السلام و نقش آن‌ها در تقویت

بنیان‌های خانواده

همان‌گونه که پیش‌تر نیز بازگو شد، در یک دسته‌بندی جامع می‌توان انواع ارتباط‌های غیرکلامی را بدین ترتیب برشمرد:

۳-۱- ارتباط‌های دیداری و نقش آن در تقویت بنیان‌های خانواده

یکی از مهم‌ترین اعضای بدن که با استفاده از آن، ارتباط غیرکلامی صورت می‌پذیرد چشم است. چشم‌ها منبعی از اطلاعات ارزشمند دربارهٔ حالت‌های عاطفی اشخاص‌اند. در شرایط گوناگون حتی نگاهی که معطوف به محیط است، می‌تواند تا حدی احساس و حالت‌هایی چون غم، شادی، ترس، تنفر، نگرانی، اضطراب و... را منعکس کند.

در روابط میان اعضای خانواده، با نگاه می‌توان عواطف مختلف را انتقال داد؛ چنان که در روایت‌های ائمه علیهم‌السلام نیز این موضوع منعکس شده و ایشان نیز اهمیت نگاه را گوشزد نموده‌اند. به عنوان نمونه در روایت‌ها آمده است که در زمان ازدواج حضرت علی علیه‌السلام با حضرت زهرا علیها‌السلام، پیامبر غذای نذری تهیه کرده و یک به یک در اتاق همسران خویش رفته و غذا را به ایشان می‌دادند. آنگاه ظرف غذایی را به خانه حضرت زهرا علیها‌السلام که تازه با حضرت علی علیه‌السلام ازدواج کرده بودند، بردند. حضرت زهرا به استقبال پدر آمدند و در مقابل آن حضرت نشستند، و در حالی که از شدت شرمساری عرق کرده بودند، نگاه خویش را به زیرافکننده، سرشان را بالا نمی‌آوردند (مجلسی، ۱۴۰۳: ق: ۴۳ / ۹۶).

بر اساس این روایت، نگاه نکردن حضرت زهرا علیها‌السلام در سیمای نورانی پدر، نمایانگر حیا در مقابل پدر و نشانگر تقوای درونی ایشان است. البته زمان وقوع این روایت، شب ازدواج حضرت زهرا علیها‌السلام با حضرت علی علیه‌السلام است و حیای این بانوی برتر اسلام، بر

همین اساس است. نمی‌توان انکار نمود که اگر این‌گونه ارزش‌ها، حاکم بر روابط دختران و زنان با محارم خویش یا حتی پسران و مردان در مقابل پدران و مادران خویش باشد، زندگی امروزین خانواده‌ها دگرگون شده و نحوه ارتباط‌ها به سمت زندگی حیوانی که باعث محبت و مودت بیشتر میان افراد و دوری از هرگونه بی‌احترامی است، پیش خواهد رفت.

اهمیت توجه دادن به نوع نگاه فرزندان در مقابل والدین خویش تا بدانجاست که در روایت‌ها، پاداش و عقاب‌هایی نیز بر این امر مرتب گردیده است. به عنوان نمونه در روایتی، نگاه مهربانانه فرزندان به والدین، توصیه مؤکد شده و ثواب‌های بسیاری برای آن تعیین شده است؛ همانند: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا وَلَدٌ بَأْزَ نَظَرٍ إِلَى أَبِيهِ بِرَحْمَةٍ إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ نَظْرَةٍ حَجَّةٌ مَبْرُورَةٌ. فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنْ نَظَرَفِي كُلَّ يَوْمٍ مِائَةَ نَظْرَةٍ؟ قَالَ: نَعَمْ اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَطْيَبُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۱/۷۳)؛ پیامبر خدا ﷺ فرمود: هر فرزند نیکوکاری که با مهربانی به پدر و مادرش نگاه کند در مقابل هر نگاه، ثواب یک حج کامل مقبول به او داده می‌شود. سؤال کردند، حتی اگر روزی صد مرتبه به آن‌ها نگاه کند؟ فرمود: آری خداوند بزرگ‌تر و پاک‌تر است.

در پاره‌ای دیگر از احادیث، نگاه غضبناک فرزندان به چهره پدر و مادر خویش، حتی در صورت ظالم بودن والدین، موجب ردّ نمازهای فرزند ذکر شده و عقاب شدیدی برای آن بیان شده است: «مَنْ نَظَرَ إِلَى أَبِيهِ نَظْرَ مَاقَتٍ وَهُمَا ظَالِمَانِ لَهُ، لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً» (کلینی، ۱۳۱۸: ۴/۵۰).

۳-۲- ارتباط‌های بویایی و نقش آن در تقویت بنیان‌های خانواده

همه ما معتقدیم بیشتر پیام‌هایی که از دنیای خارج دریافت می‌کنیم از طریق حس بینایی و شنوایی است، اما حس بویایی نیز می‌تواند راهی برای دریافت معنی و مفهوم باشد. بنابراین پژوهش‌های دانشمندان علم ارتباطات، عطر و بوم‌ی‌تواند واکنش‌های عاطفی و حتی فیزیکی افراد را برانگیزاند. بویی که از فرد به مشام دیگران می‌رسد یا عطری که وی استعمال می‌نماید، در ارتباط‌های اجتماعی، سبب طرد یا جذب می‌شود (ریچموند و

مک‌کروسکی، ۱۳۸۸: ۵۰۸). به عنوان نمونه مُشک، بوی خوش رایجی است که همه باور دارند افراد به سوی آن جذب می‌شوند. بوهایی که ملایم و مطبوع هستند، رغبت گفتگو بین مردم را افزایش می‌دهد و منجر به نزدیک شدن افراد به یکدیگر می‌شود (همان، ۴۰۶-۴۰۵). بوهای گوناگون ممکن است سبب ایجاد حالت بهجت و شادی در فرد یا حالت انزجار و تنفر شوند. بر همین اساس است که در روایت‌های بسیار، ائمه بزرگوار براستعمال بوی خوش یا رفع بوی بد دهان یا بدن، تأکید نموده، مؤمنان را به این امر مهم در روابط فردی و اجتماعی خویش تشویق کرده‌اند. از این میان می‌توان به حدیثی اشاره نمود که پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ، خطاب به اصحاب خویش فرموده‌اند که با بوی بد بر من وارد نشوید (متقی هندی، ۱۴۲۴ق: ۶/۶۵۵). در حدیثی دیگر از امام رضا ﷺ آمده: سزاوار نیست که انسان حتی یک روز عطر را زمین بگذارد (طبرسی، ۱۳۸۰: ۳۶۱). امیرمؤمنان ﷺ نیز در حدیثی فرموده‌اند: بوی بد و آزاردهنده را با آب بزدايید و خود را وارسی کنید که خداوند بندگان چرکین و آلوده‌اش را که هم‌نشینان از نشستن با او کراهت دارند، دشمن دارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۹۹/۱۰).

بدیهی است از منظر ائمه ﷺ، در روابط میان اعضای خانواده، بوی خوش و معطرانه تنها ناپسند و مورد نکوهش نیست، بلکه مورد توصیه و تأکید بسیار، به‌ویژه در روابط میان زوجین است. در حدیثی از امام صادق ﷺ نقل شده است: چون در روز عید فطر برای رسول خدا ﷺ عطر می‌آوردند، اول به زنان خود می‌دادند (طباطبائی، ۱۳۷۸: ۹۹/۱). روایتی دیگر آمده: زن باید برای شوهرش عطر بزند (حرانی، ۱۳۸۳: ۱۱۱).

براساس این روایت‌ها چون بوی خوش، محبت آوار است، زمانی که مرد، بوی خوش همسرش را استشمام می‌کند و یا مرد، خود را برای همسرش معطر می‌سازد، میل و رغبت و محبت میان ایشان افزایش یافته، پایه و اساس زندگی زناشویی ایشان مستحکم می‌شود. اهمیت این امر تا بدان حد است که ائمه معصوم ﷺ، برای جلوگیری از بروز مشکلات خانوادگی و از بین رفتن محبت میان زوجین، زنان را از استعمال عطر و بوی خوش در نزد نامحرمان منع نموده‌اند. حدیثی از امام صادق ﷺ به نقل از رسول

خدا ﷻ روایت شده که ایشان فرمودند: هرزنی که عطر بزند و از خانه اش خارج شود، تا زمانی که به خانه اش بازگردد مورد لعنت ملائکه واقع می شود: «أَيُّ امْرَأَةٍ تَتَطَيَّبُ ثُمَّ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا فَهِيَ تُلَعْنُ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا مَتَى رَجَعَتْ» (صدوق، ۱۴۰۶: ۲۵۹). براساس این روایت می توان دریافت که زن نباید برای غیر شوهرش، خود را معطر کند، زیرا همان گونه که معطر بودن برای همسر، محبت میان اعضای خانواده را فراهم می سازد و تحکیم اساس خانواده را به دنبال دارد، استعمال عطر برای غیر همسر، باعث کشش مرد نامحرم به سمت آن زن شده، در صورت بی تقوایی دو طرف، فساد و تباهی کانون خانوادگی را به دنبال خواهد داشت.

بنابراین ارتباط های غیرکلامی افراد خانواده از طریق حس بویایی نیز، نقش بسیار مؤثری در تحکیم و یا سُست شدن روابط میان اعضا داشته، گاهی تعیین کننده موفقیت یا شکست زندگی زناشویی ایشان می شود.

۳-۳- ارتباط های بساوایی (لامسه) و نقش آن در تقویت بنیان های خانواده

ارتباط بساوشی نخستین و شاید بنیادی ترین شکل ارتباط محسوب می شود. ابتدایی ترین موجودات برای تعامل با محیط اطراف شان، تنها به لمس کردن متکی بودند. امروزه نیز شاید مهم ترین شکل تعامل با دیگران، به حساسیت بساوشی متکی است. نوزاد با نوازش مادر، آرام شده و احساس امنیت می کند؛ زن و شوهر از طریق حس لامسه، به یکدیگر تمایل می یابند و نیازهای جنسی خود را برطرف می سازند (ریچموند و مک کروسکی، ۲۹۷: ۱۳۸۷). در بسیاری جوامع، تماس بدنی نشانه علاقه و پذیرش است. خودداری از لمس کردن، مجموعه ای از احساس های منفی مثل رنجش، خصومت، عصبانیت و بدگمانی را انتقال می دهد. کارشناسان معتقدند فقدان لمس کردن، در نهایت به هزاران مشکل مرتبط با ارتباط، از جمله افت یادگیری در تکلم و تشخیص نشانه ها منجر می شود (همان، ۲۹۹). در حقیقت همان گونه که کلمات و حرکات ما پیام هایی را در مورد اندیشه و احساس ما القا می کنند، لمس کردن نیز همین عمل را انجام می دهد (لاری، ۱۳۷۹: ۲۹۲).

از منظر اهل بیت علیهم السلام نیز، این حس، از جایگاه خاصی در هنگام برقراری ارتباط با اعضای خانواده برخوردار است و خانواده موفق، خانواده‌ای است که از همه ظرفیت‌های خویش برای تحکیم و تقویت روابط میان اعضای خود بهره می‌گیرد. عمار بن حیان از امام جعفر صادق علیه السلام روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهری رضاعی داشت که به خدمت آن حضرت آمد. چون پیغمبر به خواهر خود نظر کرد، به دیدنش شاد و خوشحال شد، لحاف خود را از برایش گسترد و او را بر بالای آن لحاف نشانید. بعد از آن با او شروع به صحبت کرد و در رویش می‌خندید. بعد از مدتی آن زن برخاست و رفت و برادرش آمد؛ پس پیغمبر آن تعارف و نوازشی که با خواهر کرده بود، با برادر نکرد. به آن حضرت عرض شد: یا رسول الله! با خواهرش نوازشی کردی که با او نکردی، با آنکه او مرد است؟! فرمود: زیرا که خواهرش به پدر و مادرش از او نیکوکارتر بود (کلینی، ۱۳۱۸ق: ۱۶۱/۲).

روایت فوق از ارتباط غیرکلامی پیامبر با خواهر رضاعی‌شان، آن هم از طریق حس بساوایی خبر می‌دهد. همان‌گونه که در این روایت دیده می‌شود، پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله، بین خواهر و برادر خود تبعیض قائل شدند و در جواب فرد سائل می‌فرمایند که چون خواهرم نسبت به پدر و مادرش مهربان‌تر از برادرم بوده، این نوازش و ارتباط غیرکلامی را با او برقرار کرده است. در حقیقت این روایت اهمیت احترام به والدین را بازگو می‌کند و پیامبر صلی الله علیه و آله با رفتار خود، خواهرشان را به خاطر این عمل شایسته تشویق و برادر را به سبب انجام ندادن آن تنبیه می‌کنند.

در روایت دیگری آمده است: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودند که حسن و حسین علیهما السلام وارد شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد و ایشان را در آغوش گرفت و بردوش خود سوار کرد (فیروزآبادی، ۱۳۹۲ق: ۱۸۹/۳). در حدیث دیگری آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله ایشان را برزانوی خود نشاند، نوازش می‌کردند (بحرانی، ۱۳۷۸ش: ۹۲). در این هنگام "اقرع بن حابس" که مردی از اشراف جاهلیت بود، وارد شد و با دیدن این صحنه گفت: من ده پسر دارم و تا به حال هیچ‌کدامشان را نبوسیده‌ام. پیامبر صلی الله علیه و آله ناراحت شده، فرمودند: «آن کس که نسبت به دیگری رحم نداشته باشد خداوند نیز بر او رحم نخواهد کرد؛ سپس فرمود: «من

چه کنم که خدا رحمت را از دل تو کنده است» (میرباقری، ۱۳۶۵، ۴۲۱/۱). براساس این روایت، محرومیت از درآغوش کشیدن و نوازش نمودن فرزندان، دوربودن پدر از رحمت الهی معرفی شده و محرومیت او را از فیض عظیم اثبات می‌نماید.

اهمیت حس بساوی در گرم کردن محیط خانواده و افزایش مودت میان اعضا، از منظر اهل بیت علیهم‌السلام، تا بدان حدّ است که بهره‌مندی از این نوع ارتباط، سیره ثابت و رفتار همیشگی ایشان شمرده می‌شود. از عایشه نقل شده است: هرگاه فاطمه نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌آمد، پیامبرگرمی اسلام از جای خود برخاسته، پیشانی فاطمه را می‌بوسید و او را در جای خود می‌نشاند و نیز هرگاه پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به دیدار فاطمه می‌رفت، حضرتش به استقبال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شتافته و هریک دیگری را بوسیده و با هم می‌نشستند (روحانی علی‌آبادی، ۱۳۷۹: ۴۰).

بررسی این‌گونه روایت‌ها اهمیت فراوان ارتباط لاسه را می‌رساند و بر ماست تا با تأسی به این الگوهای جاودان بشری، از همه طرفیت‌ها و توانمندی‌های درونی و بیرونی خویش، برای استحکام بنیان خانواده و تحکیم و تقویت روابط میان اعضای آن بهره برده، با یاری خداوند سبحان، خانواده‌ای سالم، بانشاط و به دور از هرگونه ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی تربیت نماییم.

۳-۴- ارتباط‌های مکانی و نقش آن در تقویت بنیان‌های خانواده

منظور از ارتباط‌های مکانی، محیطی است که در آن، زمینه بسیاری از وقایع فراهم می‌شود. پیوستگی عناصر مکانی با موضوع و ایجاد محیط مناسب برای وقوع بسیاری از ارتباط‌ها و رویدادها، بسیار مهم است. بنابراین در نظر گرفتن مکان بروز حوادث و انجام گفتگوها، در پی بردن به معنای مورد نظر گوینده بسیار اهمیت دارد.

اهل بیت علیهم‌السلام به این نکته بسیار توجه داشتند، به‌گونه‌ای که ایشان گاهی مکان‌های ویژه‌ای را توصیه می‌کردند و یا در مکان‌های خاصی گفتارها و سفارش‌های خویش با افراد و اعضای جامعه و نیز خانواده را بیان می‌نمودند.

برای نمونه می‌توان به محل غدیر خم، به عنوان بهترین مکان برای ابراز مهم‌ترین و

اساسی‌ترین پیام اسلام؛ یعنی ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام به عنوان ادامه‌دهنده مکتب پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره نمود. این مکان به دلیل موقعیت ویژه‌اش و قرار گرفتن در مسیر حجاج و کاروان‌های حج، از دیگر مکان‌ها متمایز گردیده است.

از دیگر جاهای با اهمیت در زندگی افراد و مرتبط با هدف این نوشتار، محیط خانه است. در باره خانه و پاکیزگی مادی و معنوی آن سفارش‌های فراوانی شده است. براساس روایات زیر، اختصاص محل معینی از محیط منزل برای عبادت خداوند و تلاوت قرآن، تأثیر بسزایی در نورانی نمودن محیط خانه داشته، خیر و برکت را برای اهالی آن خانه به ارمغان خواهد آورد. فرزندان، با مشاهده عبادت پدر و مادر و بزرگ‌ترهای خویش، به طور طبیعی به سمت معنویت سوق می‌یابند، به گونه‌ای که ناخودآگاه، راز و نیاز با خداوند در وجود آن‌ها سرشته و عجمین خواهد شد. متن این روایت چنین است: «نُورُوا بُيُوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَلَا تَتَّخِذُوا هَا قُبُورًا كَمَا فَعَلَتِ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى صَلَّوْا فِي الْكِنَائِسِ وَ الْبَيْعِ وَ عَظَّمُوا بُيُوتَهُمْ فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كَثُرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَ اتَّسَعَ أَهْلُهُ وَ أَضَاءَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا» (کلینی، ۱۳۱۸ ق: ۶۱۰/۲)؛ «خانه‌های خود را با تلاوت قرآن، نورانی کنید و آن‌ها را چون قبرستان قرار ندهید، همان طور که یهود و نصاری چنان کردند که در معابد و کنیسه‌ها نماز می‌گزارند و خانه‌های خویش را تعطیل نمودند، چون هرگاه در خانه‌ای قرآن زیاد تلاوت شود، خیرش زیاد می‌گردد و آن خانواده بهره‌مند می‌گردند و برای اهل آسمان نور می‌دهد همچنان که ستارگان آسمان برای اهل زمین، نور افشانی می‌کنند».

عبارت "كَثُرَ خَيْرُهُ وَ اتَّسَعَ أَهْلُهُ" به آثار و فایده‌های انس با معنویت برای اهالی خانواده اشاره داشته، فایده‌های معنوی این امر را برای ساکنان آن خانه بیان می‌نماید. در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده: برای خانه‌هایتان بهره‌ای از قرآن قرار دهید که اگر در خانه‌ای قرآن خوانده شود، کارها بر اهالش آسان شده، خیرش زیاد می‌گردد و ساکنانش در فزونی هستند و اگر در خانه‌ای قرآن تلاوت نگردد، کارها بر اهالش تنگ شده، خیرش کم می‌گردد و ساکنانش در نقصان قرار دارند (غفاری ساروی، ۱۳۷۵).

۴۷۸). براساس این حدیث نیز، تلاوت قرآن، گشایش در امور و افزایش خیر و برکت مادی و معنوی برای ساکنان خانه را به ارمغان می‌آورد، اما در مقابل، دوری از تلاوت قرآن، سختی و حرج را برای ایشان به دنبال خواهد داشت.

از دیگر روایت‌های بارز که به اهمیت مکان در برقراری ارتباط میان اعضای خانواده اشاره دارد، ماجرای حدیث کساء اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است که به شیوه‌ای غیر کلامی، جایگاه و مقام والای خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله را بیان و نزدیک‌ترین افراد به ایشان را معرفی می‌نماید. وقوع این ماجرا در منزل حضرت علی علیه السلام و تحت کساء قرار گرفتن ایشان، آن هم در حالی که جبرئیل به عنوان ملک مقرب الهی، اجازه دخول در زیر آن را نیافت، علاوه بر اثبات جایگاه والای ایشان در نزد خداوند، به تحکیم روابط و توثیق پیوند میان اعضای خانواده پیامبر کمک می‌نماید. حضرت رسول با مقاصد خاصی، منزل حضرت علی علیه السلام را برای بیان این مهم (مشخص کردن اهل بیت خویش) انتخاب نموده‌اند، چراکه این امری خانوادگی است و باید در مکانی صورت پذیرد که همه اعضای خانواده حضور داشته باشند (خانه). لذا حضرت برای جمع شدن همه اعضای منتظر می‌مانند. در جایی دیگر آمده است نبی خدا دستور به آوردن عبا (کسای یمانی) را می‌دهند و سپس خود را با کساء می‌پوشانند و منتظر دیگر افراد خانواده می‌نشینند. همین انتظار پیامبر برای ورود اعضای خانواده، نشانه احترام ایشان به اعضای خانواده و فرزندان بوده، موجبات توثیق روابط و افزایش محبت میان ایشان را فراهم می‌نماید. آنچه در اینجا مهم جلوه می‌کند، این است که هرکس در آن موقعیت مکانی «زیر کساء» و آن موقعیت زمانی قرار داشت، اهل بیت پیامبر معرفی شد.

۳-۵- ارتباط‌های رفتاری و نقش آن در تقویت بنیان‌های خانواده

یکی دیگر از انواع ارتباط‌های غیر کلامی، توجه به رفتارهای افراد و چگونگی واکنش آن‌ها نسبت به وقایع و اشیای پیرامون است. به طور کلی حالات و حرکات بدن، پیام‌های ویژه‌ای را چه در جهت تقویت پیام‌های بیانی و چه در جهت نقض آن‌ها صادر می‌کنند. چنین حرکت‌هایی ممکن است شامل تغییر در حالت چهره (بالا بردن ابروها،

کج کردن سر، مشت کردن دست)، ابراز احساسات (گریه، خنده و...)، حرکت اعضای بدن (حرکت‌های دست، اشاره‌ها، پشت کردن به کسی و...)، تغییر حالت کلی بدن (نشستن، ایستادن، راه رفتن و...) و دیگر موارد شوند (کولتتر، ۱۳۶۹: ۱۱۹).

در محیط خانه و خانواده، ارتباط‌های رفتاری هریک از اعضا، نمایانگر افکار، احساسات درونی و یا حتی انتظارات ایشان از دیگران است. این موضوع مورد توجه ائمه علیهم‌السلام نیز بوده و به ویژه در روابط میان زوجین نسبت بدین امر، سفارش‌های بسیاری را به مؤمنان ارائه نموده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به روایت‌هایی اشاره کرد که آراستگی زن و مرد در محیط خانه، احترام به سلیقه‌های شخصی دو طرف بوده و گرم شدن روابط میان ایشان را به دنبال خواهد داشت. در حدیثی از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است: سزاوار نیست زنان آراستن خود را برای همسرانشان تعطیل کنند، هرچند به آویختن گردنبندی باشد: «لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُعْطَلَ نَفْسَهَا وَلَوْ أَنَّ نُعَلِقَ فِي عُنُقِهَا قِلَادَةً» (صدوق، ۱۴۰۴ق: ۱۲۳/۱). در حدیث دیگری، آراستگی ظاهر، دلبری کردن از طرف مقابل را به همراه داشته (حرانی، ۱۳۸۳: ۳۲۳)، سبب تقویت محبت میان زوجین و از آنجا استحکام و گرمی بنیان خانواده ایشان می‌شود.

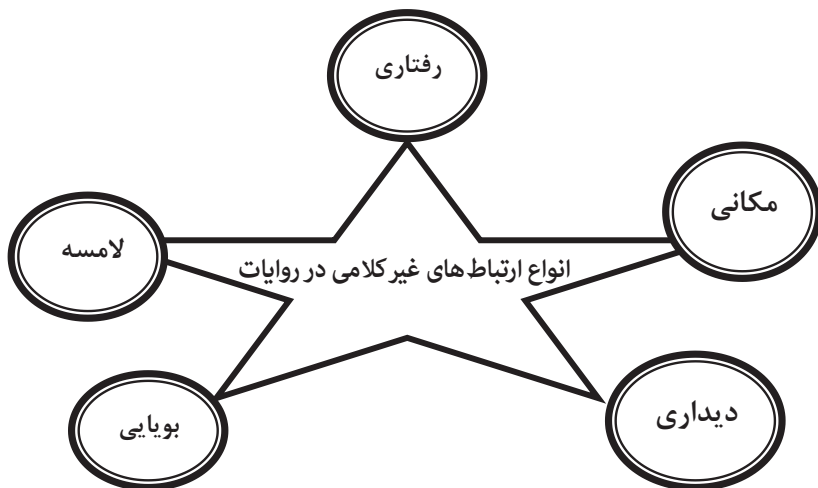
در روابط میان فرزندان و والدین، به ویژه مادر، روایتی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده که براساس آن می‌توان به مقام و جایگاه والای مادر و اهمیت رعایت احترام به او راه یافت. در این روایت، رسول بزرگوار اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به یکی از اصحاب خویش فرمودند: ای جابر! هرگاه در نماز مستحب بودی و پدرت تورا فراخواند، نمازت را قطع نکن، ولی اگر مادرت تورا فراخواند، نمازت را قطع نما: «اذا كنت في صلاة التطوع فان دعاك والدك فلا تقطعها و ان دعتك والدتك فاقطعها» (نوری، ۱۴۰۷ق: ۱۵/۱۸۱). براساس این روایت، رعایت احترام مادر از چنان اهمیتی برخوردار است که قطع نماز، به عنوان پاسخی رفتاری در مقابل گفتار او، واجب^۱ می‌گردد.

۱- وجوب این مسئله، از امر بودن صیغه فعل (فاقطعها) فهمیده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۲۳).

در روایت دیگری نقل شده است: ابوهارون گوید به ملاقات ابوسعید خدری رفته، پرسیدم آیا در کارزار بدر حضور داشته‌ای؟ گفت آری و از شنیده‌های خود چنین نقل کرد: روزی فاطمه علیها السلام با چشم گریان حضور پیغمبر آمد و گفت: زن‌های قریش مرا از ناداری علی علیه السلام سرزنش می‌کنند. پیغمبر فرمود: به سخن آنان اعتنا نکن؛ زیرا تو را همسری بزرگوار داده‌ام که پیش از همه ایمان آورده و علمش از همه زیادتر است.... ای فاطمه مگر نمی‌دانی برائراهمیتی که در پیشگاه خدا داری او تو را به همسری مردی درآورده که از همه بردبارتر و داناتر و پیش قدم‌تر به اسلام است. اینجا بود که فاطمه علیها السلام خندید و خوشحال شد و از نزد پدر مرخص گردید (مفید، ۱۴۱۲ق: ۳۴).

در روایت فوق، گریه حضرت زهرا آغازگر ارتباط این دو بزرگوار با یکدیگر و نمایانگر حالت ناراحتی و اندوه ایشان است. روایت فوق، همچنین بازگوکننده ارتباط صمیمی میان پدر و دختر است؛ به گونه‌ای که پدر با توانمندی خویش در مدیریت خانواده و جلب اعتماد اعضا به خویش، موجبات محبت و ارتباط صمیمی میان ایشان را فراهم نموده است؛ چنان که دختر، در مواقع ناراحتی و دلخوری حاصل از رفتارها و گفتارهای انسان‌های ضعیف‌الایمان، به جای مراجعه به دیگر دوستان یا زنان، یکسره به سراغ پدر خویش آمده و درد خود را برای او باز می‌گوید. در این مرحله، رفتار بروز یافته از یک دختر تازه ازدواج کرده، عاقلانه‌ترین رفتار و حاکی از درایت بالا و تربیت صحیح خانوادگی اوست. مؤید این قول توجه به چگونگی واکنش پدر و بررسی رفتار او در مواجهه با دختر خویش است که ضمن قضاوت صحیح و ممانعت از پیش‌داوری و طرفداری متعصبانه از فرزند خویش، با مشاهده گریه دختر، برای تقویت بنیان زندگی او، به طرفداری از شوهر او پرداخته و با برشمردن ویژگی‌های وی، به تقویت و گرم کردن محیط خانواده ایشان مبادرت نموده است. بر همین اساس می‌توان او را به عنوان بهترین الگوی پدری معرفی کرد که ضمن حفظ اقتدار خویش، با مهارت چنین محیط گرم و مطمئنی را برای اعضا به وجود آورده است. در نهایت، خنده دختر، به عنوان آخرین رفتار او در این روایت، حاکی از رضایت وی از عملکرد پدر و قناعت پاسخ اوست. از آن پس، سخنان بیهوده

دیگران، در او اثر نکرده، برای آن حضرت بی اهمیت خواهد بود. به طور کلی براساس مطالب بازگوشده، می توان ارتباط های غیرکلامی مؤثر بر تحکیم بنیان خانواده را در انواع پنج گانه خلاصه و در قالب نمودار زیر نشان داد:



نمودار ۱: انواع ارتباط های غیرکلامی مؤثر بر تحکیم بنیان خانواده از منظر اهل بیت علیهم السلام

نتیجه

بررسی نشانه های ارتباط های غیرکلامی در متون روایی، نشان می دهد ائمه معصومین علیهم السلام در موارد بسیار از تکنیک های ارتباط غیرکلامی بهره برده، به طور گسترده برای القای پیام، از آن ها استفاده کرده اند. از این طریق ذهن مخاطب به واسطه درگیر شدن با مؤلفه های ارتباط غیرکلامی، فهم بیشتری نسبت به فعل معصوم داشته، تأثیر بیشتری می گیرد.

اما کارآمدترین و پرتعدادترین ارتباط های غیرکلامی که در روایت های قابل مشاهده اند، عبارت اند از: ارتباط های مکانی، دیداری، بویایی، رفتاری و بساوی. در نظر گرفتن مکان گفتار و رفتار معصوم و میزان توجه آن ها به این مقوله مهم یکی از نشانه های ارتباط غیرکلامی است که در پی بردن به معنا و مقصود معصوم بسیار

راهگشااست. در ارتباط‌های دیداری، برای تعامل و برقراری ارتباط، رفتار چشم و حالت‌های عاطفی منعکس یافته از طریق آن، همانند حیا، غم، شادی، ترس، تنفر، نگرانی، اضطراب و... بسیار حائز اهمیت است.

حس بویایی نیز، در گرمی و سردی روابط میان اعضای خانواده به ویژه روابط میان زوجین، بسیار تأثیرگذار بوده، می‌تواند واکنش‌های عاطفی و حتی فیزیکی ایشان را برانگیزاند. ارتباط‌های رفتاری نیز نقش چشمگیری در فهم مقصود متکلم دارد و بیشترین کارکرد آن در روایت‌های مربوط به حرکات دست، خنده و اخم و... می‌باشد.

برقراری ارتباط از طریق حس لامسه، به عنوان نخستین نوع برقراری ارتباط که در آدمی شکل گرفته و رشد می‌یابد، تأثیر بسیار زیادی در تعامل‌های افراد خانواده با یکدیگر دارد و در متون روایی تأکید فراوانی به استفاده از این گونه رفتارها به ویژه در روابط میان زوجین یا والدین نسبت به فرزندان شده است.

بنابراین رمزگشایی از پیام‌هایی که ائمه معصومین علیهم‌السلام، از طریق عناصر غیر کلامی در کانون خانواده خویش به کار برده و به ما منتقل نموده‌اند، سهم بسزایی در کشف و پرده‌برداری از پیام‌های نهفته در رفتار ایشان دارد و به تقویت بنیان خانواده و گرمی روابط میان اعضای آن منتهی می‌گردند.

منابع

۱. ابن فهدحلی، احمدبن محمد، غفاری سارویی حسین، ۱۳۵۷، *آیین بندگی و نیایش*، ترجمه *عده‌الداعی*، انتشارات بنیاد معارف اسلامی، قم.
۲. امام رضا علیه‌السلام، ۱۴۰۶ق، *صحیفه الرضا علیه‌السلام*، کنگره امام رضا علیه‌السلام، مشهد.
۳. بحرانی، سیدهاشم، ۱۳۷۸، *الإنصاف فی النص علی الأئمة علیهم‌السلام*، فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ دوم.
۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، *مفاتیح الحیاة*، اسراء، قم، چاپ هفتاد و پنجم.
۵. حرانی، حسن بن علی بن ابن شعبه، ۱۳۸۳، *تحف العقول عن آل الرسول*، الحدیث، قم.
۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۸۴، *وسائل الشیعه*، مؤسسه نشر اسلامی، قم.
۷. روحانی علی‌آبادی، محمد، ۱۳۷۹، *زندگانی حضرت زهرا علیه‌السلام* (ترجمه جلد ۴۳ *بحار الانوار*)، انتشارات مهام، تهران.

۸. ریچموند، ویرجینیایی و مک کروسکی، جیمزسی، ۱۳۸۸، *رفتارهای غیرکلامی در روابط میان فردی* (درسنامه ارتباطات غیرکلامی)، ترجمه فاطمه سادات موسوی وژیلا عبدالله پور، دانه، تهران، چاپ دوم.
۹. ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، سروش، تهران.
۱۰. صدوق، محمدبن علی، ۱۴۰۶ق، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، دارالرضی، قم.
۱۱. _____، ۱۴۰۴ق، *من لایحضره الفقیه*، جامعه مدرسین، قم: چاپ دوم.
۱۲. طباطبائی، محمدحسین، ۱۳۷۸، *سنن النبى ﷺ*، با کوشش محمد هادی فقهی، اسلامیه، تهران، چاپ هفتم.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۸۰، *الآداب الدینیة للخزانة المعینیة*، ترجمه احمد عابدی، زائر، قم.
۱۴. غفاری ساروی، حسین، ۱۳۷۵، *آیین بندگی و نیایش*، بنیاد معارف اسلامی، قم.
۱۵. فرگاس، جوزف پی، ۱۳۷۳، *روانشناسی تعامل اجتماعی: رفتار میان فردی*، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، ابجد، تهران.
۱۶. فرهنگ، علی اکبر، ۱۳۷۳، *ارتباطات انسانی (مبانی)*، تایمز، تهران.
۱۷. فیروزآبادی، سید مرتضی، ۱۳۹۲ق، *فضائل الخمسة من الصحاح الستة*، ترجمه رسولی محلاتی، اسلامیه، تهران، چاپ دوم.
۱۸. قنادان، منصور، ۱۳۷۵، *جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی*، آوای نور، تهران.
۱۹. کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۱۸ق، *الکافی*، موسسه الاعلمی للمطبوعات، تهران.
۲۰. کولتتر، دابلیو جان، ۱۳۶۹، *ارتباط گفتاری میان مردم*، ترجمه سید اکبر میرحسینی و قاسم کبیری، چاپخانه سپهر، تهران.
۲۱. گلدمن، الِن، ۱۳۸۶، *مردم ما را چگونه می بینند؟ حرکت اندام‌ها و هنر ارتباط موفق*، ترجمه مصطفی تبریزی و سپیده قیاس وند، فرا روان، تهران.
۲۲. لاری، سامووار، ۱۳۷۹، *ارتباط بین فرهنگ‌ها*، ترجمه غلامرضا کیایی و اکبر میرحسینی، باز، تهران.
۲۳. متقی الهندی، علی بن حسام‌الدین، ۱۴۲۴ق، *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، دارالاحیاء، بیروت.
۲۵. محسنیان راد، مهدی، ۱۳۶۹، *ارتباطات انسانی میان فردی، گروهی، جمعی*، انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۲۶. _____، ۱۳۸۰، *ارتباط شناسی*، انتشارات سروش، چاپ چهارم، تهران.
۲۷. مفید، محمدبن محمد، ۱۳۸۰، *الارشاد*، ترجمه محمدباقر ساعد خراسانی، انتشارات اسلامیه، تهران.

۲۸. مولکو، سامی، ۱۳۹۰، *زبان تن (راهنمای تعبیر اشاره‌ها و حرکات بدن)*، ترجمه امید نوری خواجه‌وی، ترفند، چاپ سوم، تهران.
۲۹. موسی، محمد الامین، ۲۰۰۳ م، *الاتصال غیراللفظی فی القرآن الکریم*، دارالثقافة و الاعلام، الشارقة.
۳۰. میرباقری، سید ابراهیم، ۱۳۶۵، *مکارم الأخلاق*، ترجمه میرباقری، فراهانی، تهران.
۳۱. نجاریان، فرزانه، ۱۳۷۵، *عوامل مؤثر در کارایی خانواده*، دانشگاه آزاد اسلامی: پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
۳۲. نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۷ ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، مؤسسة آل البيت علیهم‌السلام لاحیاء التراث، قم.